

فهرست

- الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: قِيمَةُ الْعِلْمِ، نُورُ الْكَلَامِ وَ كَنْزُ الْكُنُوزِ ٥
- الدَّرْسُ الثَّانِي: جَوَاهِرُ الْكَلَامِ، كُنُوزُ الْحِكْمِ، كَنْزُ النَّصِيحَةِ، الْحِكْمُ النَّافِعَةُ وَالْمَوَاعِظُ الْعَدِيدَةُ ١٦
- الدَّرْسُ الثَّالِثُ: حِوَارَ بَيْنَ وَلَدَيْنِ ٣١
- الدَّرْسُ الرَّابِعُ: فِي السُّوقِ ٣٧
- الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْجُفَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ ٤٣
- آزمون نیم سال اول ٤٩
- الدَّرْسُ السَّادِسُ: فِي الْخُدُودِ ٥١
- الدَّرْسُ السَّابِعُ: الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ ٥٧
- الدَّرْسُ الثَّامِنُ: زِينَةُ الْبَاطِنِ ٦٢
- الدَّرْسُ التَّاسِعُ: الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ ٦٨
- الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: الْأَيَّامُ وَالْفُصُولُ وَالْأَلْوَانُ ٧٤
- آزمون نیم سال دوم ٧٩
- پاسخ نامه تشریحی ٨٢



السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ، كَيْفَ حَالُكُمْ؟
سلام بر شما؛ خوش آمدید به کلاس هفتم. حال شما چه طور است؟

خواندنی > بچه ها سلام؛ می‌دونید «سلام» یعنی چی؟ سلام یعنی صلح، سلام پیام دوستی و محبت است. یعنی من با تو دوستم. در زمان جاهلیت (قبل از پیامبر) وقتی عرب‌های بیابان‌نشین به هم سلام می‌کردند یعنی نه تنها با هم دوست و هم‌پیمان می‌شدند که مال و جان و ناموس اون‌ها از طرف هر کدوم در امان بود و کسی به کسی دیگه خیانت یا باهاش هتک نمی‌کرد.



هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ.
این کوه زیبایی است. این تصویری زیباست.

☆ المَعْجَم : واژگان

صَدَاقَةٌ: دوستی	حَدِيقَةٌ: باغ	آفَةٌ: آفت، آسیب
الصَّفِّ: کلاس	حُسْنٌ: خوبی	« آفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ »: آفت دانش فراموشی است.
الصَّحَّةُ: تندرستی	خَشْيٌ: چوبی	الْأَمَانُ: امنیت
الصَّغَرُ: کودکی	« هُذَانِ الْكَرْسِيَّانِ خَشْبَتَانِ »: این دو صندلی	« نِعْمَتَانِ مَخْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ. » دو
الطَّالِبَةُ: دانش‌آموز	چوبی هستند.	نعمت ناشناخته‌اند: تندرستی و امنیت
« هَذِهِ الطَّالِبَةُ نَاجِحَةٌ »: این دانش‌آموز، موفق است.	أَحْيَاءُ: زندگان	أَوْسَطُ: میانه‌ترین
عَدَاوَةٌ: دشمنی	الدَّهْرُ: روزگار	« خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا »: بهترین کارها میانه‌ترین
عِبْرَةٌ: پند	دَهَبٌ: طلا، زر	آن‌هاست.
فَائِزٌ: برنده، رستگار	« آدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ دَهَبِهِ »: ادب انسان بهتر	بِلا عَمَلٍ: بی‌عمل
« هَؤُلَاءِ الْأَعْبُونَ فَائِزُونَ »: این بازیکنان برنده‌اند.	از طلای اوست.	الْبِنْتُ: دختر
فَخْرٌ: افتخار	رِضَا: خوشنودی	تَمَرٌ: میوه
فَرِيضَةٌ: واجب	سَبْعِينَ: هفتاد	الجَبَلُ: کوه
فَلَّاحٌ: کشاورز	سَنَةً: سال	الحَجَرُ: سنگ



القِصص: قصه‌ها / داستان‌ها	اللّوْحَة: تابلو	ناجِح: موفق
❖ في كُتُب القِصص عِزٌّ: در کتاب‌های داستان	مُجَالَسَة: همنشینی	التَّسْيَان: فراموشی
پندهایی است.	❖ مُجَالَسَة العِلْماء عِبَادَة: همنشینی با دانشمندان	نَظَرَة: نگاهی / یک نگاه
قیمه: ارزش، بها	عبادت است.	❖ نَظَرَة إِلَى الدَّرْسِ الْأَوَّل: درس اول در
كَالشَّجَرِ: مثل درخت	مُجَاهِدُون: رزمندگان / مجاهدان	یک نگاه
كَنْز: گنج	مِفْتَاح: کلید	التَّنْظِيف: پاکیزه
كَبِير: بزرگ	مَجْهُول: ناشناخته	نَافِذَة: پنجره
كُرْسِيَان: دو صندلی	الْمَرْأَة: زن	واقف: ایستاده
اللَّاعِب: بازیکن	الْمَسْرُور: خوشحال	الوالدین: پدر و مادر
لِهَذَا: این دارد / دارد	مَوْت: مرگ	الْوَرْدَة: گل
❖ لِهَذَا الصَّفِّ نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ: این کلاس		
دو پنجره زیبا دارد.		

المترادف: کلمات هم‌معنی

حُسْن = خیر (خوبی)	عَجِيب = غریب (شگفت)	الطَّالِب = التَّلْمِيز (دانش آموز)	الرَّأْي = التَّنْظَر (فکر و نظر)
فَرِيضَة = تکلیف (واجب)	مُرْتَفَعَة = بایسقه (بلند)	التَّوَر = الضَّيَاء (روشنایی)	الْمَسْرُور = الْفَرَح (خوشحال)
ناجِح = فائز (پیروز)	الولد = الابن (پسر)	المرء = الانسان (آدمی)	مُجَالَسَة = مُصَاحَبَة (همنشینی)

المتضاد: کلمات مخالف

جَمِيل ❖ كَرِه (زشت ❖ زیبا)	الصَّالِح ❖ الْفَاسِد (نیکوکار ❖ بدکار)	لَكَ ❖ عَلَيْكَ (به سود تو ❖ به ضرر تو)
العَالِم ❖ الْجَاهِل (دانا ❖ نادان)	مَوْت ❖ حَيَاة (مرگ ❖ زندگی)	خَيْر ❖ شَرّ (خوبی ❖ بدی)
النَّاجِح ❖ الْكَسَل (موفق ❖ تنبل)	جَالِس ❖ واقف (نشسته ❖ ایستاده)	مَسْرُور ❖ محزون (خوشحال ❖ ناراحت)
كَبِير ❖ صَغِير (بزرگ ❖ کوچک)	المُؤْمِن ❖ الْكَافِر (باایمان ❖ بی‌ایمان)	عَدَاوَة ❖ صَدَاقَة (دشمنی ❖ دوستی)
مُرْتَفَع ❖ قَصِير (بلند ❖ کوتاه)	مَجْهُول ❖ معلوم (ناشناخته ❖ شناخته‌شده)	فَائِز ❖ رَاسِب (موفق ❖ مردود)
التَّوَر ❖ الظُّلْمَة (روشنایی ❖ تاریکی)	الصَّحَة ❖ الْمَرَض (سلامتی ❖ بیماری)	

الجُموع: جمع‌های سالم و مکسر

بَنَات ❖ بِنْت (دختر)	سَنَوَات ❖ سَنَة (سال)	أَنْوَار ❖ نور (روشنایی)	صُلَحَاء ❖ صالح (نیکوکار)
جِبَال ❖ جَبَل (کوه)	مَكَاتِب ❖ مَكْتَبَة (کتابخانه)	عَبَر ❖ عِبْرَة (پند)	أَحْيَاء ❖ حَيّ (زنده)
عُلَمَاء ❖ عالِم (دانا)	أَطْبَاء ❖ طَبِيب (پزشک)	كُنُوز ❖ كَنْز (گنج)	أَحْجَار ❖ حَجَر (سنگ)
أَشْجَار ❖ شَجَرَة (درخت)	رِجَال ❖ زَجَل (مرد)	أُمُور ❖ أَمْر (کار، امر)	حَدَاقِق ❖ حَدِيقَة (باغ)
طُلَّاب ❖ طَالِب (دانش‌آموز)	نَاجِحُون ❖ نَاجِح (موفق)	أَخْشَاب ❖ خَشَب (چوب)	مِفْتَاحَات ❖ مِفْتَاح (کلید)
فَرَاثِص ❖ فَرِيضَة (واجب)	تَمَارِين ❖ تَمَرِين (تمرین)	آرَاء ❖ رَأْي (نظر)	كُرَاسِي ❖ كُرْسِي (صندلی)
أَوْلَاد ❖ وَلَد (فرزند)	مَدَارِس ❖ مَدْرَسَة (مدرسه)	أَيَّام ❖ يَوْم (روز)	كِبَار ❖ كَبِير (بزرگ)

درس نامه

پیش نیاز

در دنیای کلمات برخی از اسم‌ها برای «اشاره» به سوی یک چیز و یا یک انسان است. در زبان فارسی برای اشاره به کسی یا چیزی از کلمات «این» و «آن» / «این‌ها» و «آنان» استفاده می‌کنیم. فقط یک تفاوت کوچک با عربی دارد و آن هم: مؤنث و مذکر است.

منظور از اسم مؤنث، جنس ماده یا زن بودن است و منظور از اسم مذکر جنس نر یا مرد بودن است.

حالا به سؤال چه ربطی این موضوع به اسم اشاره داره؟! اسم اشاره هم همین‌طوره، یعنی اگه بخوایم به یه دانش‌آموز پسر اشاره کنیم می‌گیم ← **هَذَا التِّلْمِیْذُ** (این دانش‌آموز) و اگر بخوایم به یه دانش‌آموز دختر اشاره کنیم می‌گیم ← **هَذِهِ التِّلْمِیْذَةُ** (این دانش‌آموز).

نتیجه ← برای اشاره به اسم مؤنث از «هذه» استفاده می‌کنیم و برای اشاره به اسم مذکر از «هذا».

خواندنی ← در بعضی از زبان‌های دنیا برای هر اسمی یک مؤنث و مذکر دارند (مثل زبان آلمانی) در عربی هم همین‌طوره!! اگر شما بفواید بگوئید: «دانش‌آموز» بستگی داره به این‌که آن دانش‌آموز «پسر» باشه یا «دختر». التِّلْمِیْذُ (دانش‌آموز پسر)، التِّلْمِیْذَةُ (دانش‌آموز دختر).

مثال ← هَذِهِ صُورَةٌ جَمِیلَةٌ وَ هَذَا جَبَلٌ جَمِیلٌ: این تصویر زیبایی است و این کوه زیبایی است.

خواندنی ← **یالابه** بدوئید که در زبان عربی هر اسمی که «ه» داشته باشه ← مؤنثه و هر اسمی که «ة» نداشته باشه ← مذکره.

• هَذِهِ لَوْحَةٌ (این تابلو است). • هَذَا صَفٌّ (این کلاس است).

پس «ه» یکی از علامت‌های اسم مؤنثه که اگر به اسمی هم که اونو نداره اضافه‌ش کنیم، اون هم مؤنث می‌شه.

هَذَا مَعْلَمٌ ← مؤنث ← هَذِهِ مَعْلَمَةٌ.

مثال ← حالا که با دو اسم اشاره «هذه» و «هذا» (هر دو اشاره به نزدیک‌اند) آشنا شدیم، شما با توجه به تصاویر و شکل‌های زیر از اسم اشاره مناسب استفاده کنید.



غَابَةُ



عِنَبٌ



طَبِیْبَةٌ



طَبِیْبٌ

گفتیم که «هذا» و «هذه» اسم اشاره به نزدیک‌اند، پس اسم اشاره به دور چه کلماتی هستند؟! البته یادگیری اون‌ها هم سخت نیست:

«ذَلِكَ» ← آن ← برای مذکر؛ ذَلِكَ رَجُلٌ (آن مردی است). «تِلْكَ» ← آن ← برای مؤنث؛ تِلْكَ اِمْرَأَةٌ (آن زنی است).

مثال ← حالا که با چهارتا اسم اشاره آشنا شدیم با کمک تصاویر زیر، اسم‌های اشاره مؤنث و مذکر را در جای خالی، مثل مثال قرار دهید.



الصَّفُّ کَبِیْرٌ

الصَّفُّ کَبِیْرٌ



هَذِهِ تَفَّاحَةٌ لَذِیْذَةٌ.

تِلْكَ تَفَّاحَةٌ لَذِیْذَةٌ.



هَذَا جَبَلٌ مُرْتَفَعٌ.

ذَلِكَ جَبَلٌ مُرْتَفَعٌ.



..... المدرسةُ واسعةٌ.

..... طفلٌ نظيفٌ.

..... الطالبةُ ناجحةٌ.

..... المدرسةُ واسعةٌ.

..... طفلٌ نظيفٌ.

..... الطالبةُ ناجحةٌ.

خواندنی وقتی داریم ترجمه می‌کنیم اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار باید، آن اسم «ال» دار بدون «ی» ترجمه می‌شه و اگر بدون «ال» باشه، اون اسم همراه «ی» می‌آید؛
هذه الشجرة، عجيبة ← این درخت، عجیب است. هذه شجرة عجيبة ← این درختی عجیب است.

مثال اگر بخواهیم مطمئن بشویم که با معنای دو اسم اشاره نزدیک و دور آشنا شده‌ایم، باید بتوانیم جملات زیر را ترجمه کنیم:

۱ هذا الولد، في هذه المدرسة.

۲ هذه البنت، في تلك المدرسة.

۳ ذلك الطالب الناجح، في الصف الأول.

۴ هذه الطالبة الناجحة، في الصف الأول.

۱ این پسر، در این مدرسه است.

۲ این دختر، در آن مدرسه است.

۳ آن دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

۴ این دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

مثال وقتی شما می‌توانید جملات بالا را ترجمه کنید، پس می‌توانید با کمک تصاویر اسم‌های زیر را در جای خالی قرار دهید.

شجرة - جبل - ولد - بنت



۱ هذا ۴

۲ ذلك ۳

۳ تلك ۲

۱ هذه ۱

۴ هذا جبل.

۳ ذلك ولد.

۲ تلك شجرة.

۱ هذه بنت.

مثال برای هر جای خالی، یک کلمه مناسب انتخاب کنید.

۱ تلك الشجرة ثمر.

۲ العالم المؤمن ك الرحمة و الثور.

۳ هذه الشجرة الكبيرة، لذيذ.

۴ «حميد» اسم ولد و «حميدة» اسم

بلا ☐ في ☐

ناجح ☐ جبل ☐

طلب ☐ ثمر ☐

بنت ☐ رجل ☐

۴ بنت (دختر)

۳ ثمر (میوه)

۲ جبل (کوه)

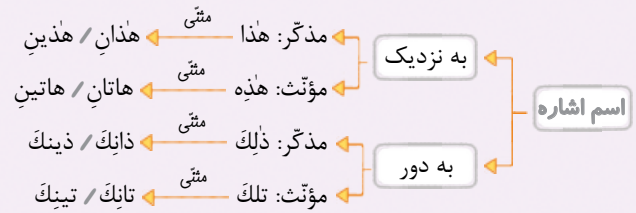
۱ بلا (بدون)

یکی دیگر از تفاوت‌های کلمات عربی با فارسی این است که در فارسی اسم بیشتر از یک نفر را جمع می‌بندیم. مثلاً به دو دانش‌آموز می‌گوییم «شما» یا «آنها». به بیشتر از دو دانش‌آموز هم باز می‌گوییم «شما» یا «آنها».

در عربی بعد از اسم مفرد، اسم مثنی (۲ نفر) را دارند و بیشتر از ۲ نفر را جمع می گویند.

پس آقا اجازه، یعنی اسم های اشاره هم مثنی دارند؟

البته اسم های اشاره هم مانند اسم های دیگر مثنی دارند:



خواندنی ❗ حالا که با نشانه های اسم مثنی آشنا شدید دقت کنید که بعضی از اسم ها مفردند ولی شکل و سافتار کلمه طوری است که شبیه اسم مثنی هستند. پس نباید آن ها

را با اسم مثنی اشتباه بگیریم؛ طَیران (پرواز)، عَطشان (تشنه)، سلمان

با توجه به مثال های بالا بهتر است که علامت ها و نشانه های اسم مثنی را در عربی بهتر بشناسیم. بنابراین به نمودار زیر دقت کنید:



خواندنی ❗ یادمون باشه که اگر اسم، مذكر باشه با «ان» و «ین» می آید و اگر مؤنث باشه با «تَان» و «تِین» می آید.

الکتاب مثنی / الکتابان / الکتابتین النِّعْمَة مثنی / النِّعْمَتَانِ / النِّعْمَتِینِ

هَذَانِ الْمُعَلِّمَانِ مؤنثان هَاتَانِ الْمُعَلِّمَتَانِ مؤنثان

مثال ❗ با توجه به آشنایی شما با اسم های اشاره به صورت مثنی جملات زیر را با کمک تصاویر کامل کنید.



..... وَرْدَتَانِ.

هَاتَانِ الـ جَمِیلَتَانِ.



..... وَلَدَانِ.

هَذَانِ الـ مُؤَدَّبَانِ.



..... بَنَاتَانِ.

هَاتَانِ الـ نَظِیفَتَانِ.



..... کُرْسِیَانِ.

هَذَانِ الـ خَسْبِیَانِ.

یکی دیگر از مشخصات کلمات عربی حرکت آخر آن ها است که با تغییر نقش کلمات حرف آخر آن ها نیز تغییر می کند:

این علامت ها عبارت اند از: َ - فتحه، ِ - کسره، ُ - ضمه، ة - سکون و ؤ - تنوین.

رَأَيْتُ التَّلْمِیْذَ فی المدرسة: دانش آموز را در مدرسه دیدم.

مفعول

ذَهَبْتُ التَّلْمِیْذُ إلی المدرسة: دانش آموز به مدرسه رفت.

نهاد

سَلَّمْتُ عَلَی التَّلْمِیْذِ: به دانش آموز سلام کردم.

متمم

نکته ❗ دقت کنیم که حرکات آخر کلمات و تغییر آن ها فعلاً از قواعد درس های ما نیست و سال های بعد با آن ها آشنا خواهیم شد. اقا یادمان

باشد که «ن» در اسم مثنی همیشه کسره - می گیرد، چه اسم اشاره باشد چه نباشد: هَاتَانِ التَّلْمِیْذَتَانِ.



مثال با کمک تصاویر اسم‌های مفرد زیر را به مثنی تبدیل کنید و در جای خالی قرار دهید.

المسجد - الطالبة - النافذة - الرجل



۱ هاتان جميلتان. ۲ هاتان ناچختان. ۳ هذان كبيران. ۴ هذان مجدان.

پاسخ ۱ هاتان النافذتان جميلتان. ۲ هاتان الطالبتان ناچختان. ۳ هذان المسجدان كبيران. ۴ هذان الرجلان مجدان.

مثال برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | |
|---------------------------|-------------------------------|--------------------------------|
| ۱ هاتان مسرورتان. | ☐ المرأة | ☐ المرأتان |
| ۲ لهذا الصف نافذتان | ☐ جميلتان | ☐ جميلان |
| ۳ ذلك نظيف. | ☐ الطالبة | ☐ الطالب |
| ۴ هذه كبيرة. | ☐ المدرسة | ☐ المسجدان |
| ۵ النافذة خشبية. | ☐ هذا | ☐ هذه |

پاسخ ۱ هاتان المرأتان مسرورتان. این دو زن خوشحال‌اند. ۲ لهذا الصف نافذتان جميلتان. این کلاس دو پنجره زیبا دارد.

۳ ذلك الطالب نظيف: آن دانش‌آموز پاکیزه است. ۴ هذه المدرسة كبيرة: این مدرسه بزرگ است.

۵ هذه النافذة خشبية.

خواندنی شاید این سوال براتون پیش بیاید که چرا از «ین» و «تین» در مثال‌ها استفاده نکردیم؟!

قواعد این دو نشانه رو الآن نمی‌تونم بگم چون به مقدار زوده و سال‌های بعد خواهید فوئند. ولی فلاحش اینه که بستگی به نقش اون در جمله داره. مثل پایی که مفعول باشه یا بعد از «ل» بیاد: الولد الصالح فخر للوالدين.

تاکنون با اسم‌های مفرد و مثنی آشنا شدیم و آخرین موضوعی که باید در این درس یاد بگیریم اسم‌های جمع و اسم‌های اشاره برای جمع است.

خواندنی تا این‌جا دیدیم که برای اسم‌های اشاره هم، مؤنث و مذکر بود. هذا ← مذکر، هته ← مؤنث. اما باید دقت کنیم که اسم اشاره برای جمع، مؤنث و مذکر ندارد. هؤلاء بنات (اینان دختران‌اند). هؤلاء أولاد (اینان پسران‌اند).

اگر اجازه می‌دهید از فارسی شروع کنیم تا به عربی برسیم.

دوستای عزیزم اگر ما در فارسی بگوییم به چند نفر اشاره کنیم از چه کلماتی استفاده می‌کنیم؟ آه نزدیک باشند می‌گیم ← اینان / این‌ها و اگر دور باشند می‌گیم ← آنان / آن‌ها. در زبان عربی هم همین‌طور؟!

یعنی اگر ما بگوییم به چند نفر که نزدیکمون هستند اشاره کنیم می‌گیم ← هؤلاء (اینان) و اگر از ما دور باشند می‌گیم ← أولئك (آنان).

مثال هؤلاء طُلاب (اینان دانش‌آموزند). أولئك طُلاب (آنان دانش‌آموزند).

هؤلاء طالبات (اینان دانش‌آموزان (دختر)‌اند). أولئك طالبات (آنان دانش‌آموزان (دختر)‌اند).

خواندنی چاله بدوئید که اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی «ال» دار بیاید، اسم اشاره رو به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم و اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی بدون «ال» بیاید می‌توان هر دو را جمع ترجمه کرد و هم می‌توان اشاره رو جمع ولی اسم بعد از اسم اشاره رو مفرد ترجمه کرد؛

۱ هؤلاء المُبَاهِدون صابرون: این مباحدان شکیبا هستند.

۲ هؤلاء مُبَاهِدون صابرون: این‌ها مباحدان شکیبا هستند. این‌ها مباحد شکیبا هستند.

خُب حالا به آخرین موضوع درس رسیدیم؛ اسم‌های جمع. اگر بخواهیم یک اسم مذکر را به صورت جمع بنویسیم هم می‌توانیم به آخر آن اسم «ون» اضافه کنیم و هم «ین».

المعلم ← جمع المعلمون / المعلمين

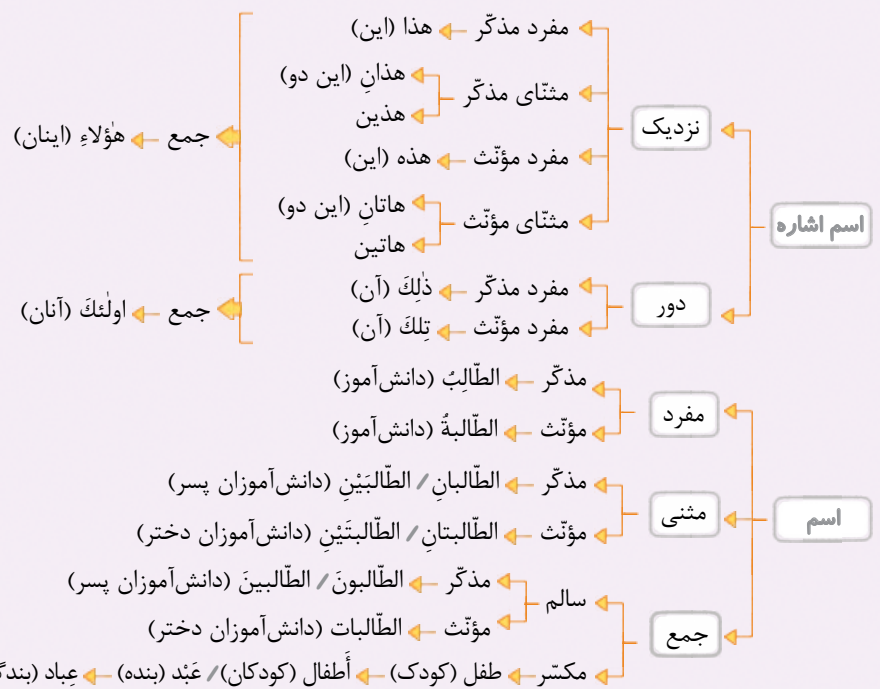
و اگر بخواهیم یک اسم مؤنث را به صورت جمع بیاوریم، اگر «ة» یعنی علامت مؤنث داشت آن را حذف می‌کنیم و به جای آن «ات» به آخر کلمه اضافه می‌کنیم:

التلميذة ← جمع التلميذات المعلمة ← جمع المعلمات

یک نوع جمع دیگر داریم که مفرد کلمه تغییر می‌کند و شکل ساختن آن قاعده خاصی ندارد و فقط باید شکل و وزن آن را شنیده باشیم که به این جمع، جمع مکسر گویند:

کتاب ← جمع کُتُب تلميذ ← جمع تلاميذ

جمع بندي مطالب به صورت نمودار



خواندنی ▶ ملک مؤنث یا مذکر بودن جمع‌های مکسر مفرد آن‌ها است و اگر فواصیم بفهمیم که یک جمع مکسر مذکر یا مؤنث، اول باید مفرد اون رو پیدا کنیم:

عبر ← مؤنث است ← عبرة (مفرد) مفاتيح ← مذکر است ← مفتاح (مذکر)

خواندنی ▶ حرکت آخر اسم‌های مثنی همیشه کسره است. ← حافظان / حافظتان

و حرکت آخر اسم‌های جمع مذکر سالم همیشه فته دارد. حافظون / حافظین و باید دقت کنیم که اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم هیچ وقت تنوین نمی‌گیرند.

مثال ▶ با توجه به تصاویر و اسم‌های زیر در جای خالی کلمه مناسب را قرار دهید.

هذه - تلميذات - رجل - تلميذ - لاعبون - أولئك - ذلك - لاعبات



۱ هؤلاء



۲ طبيبات



۳ امرأة



۴ هاتان



۸. هذا

۴. هاتان تلميذتان.

۸. هذا رجل.



۷. هؤلاء

۳. هذه امرأة.

۷. هؤلاء لاعبات.



۶. أولئك

۲. أولئك طبيبات.

۶. أولئك لاعبون.



۵. مجاهد

۱. هؤلاء تلاميذ.

۵. ذلك مجاهد.

مثال برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

۱. سعيد و حميد و هاشم

۲. زهراء و زينب و فاطمة

۳. أولئك صابرون.

۴. هؤلاء فائزات.

۵. أولئك الأولاد ممتازون.

پاسخ ۱. مسرورن ۲. واقفات ۳. المجاهدون ۴. اللاعبات ۵. لاعبون

مثال جملات زیر را ترجمه کنید سپس انواع جمع‌ها (سالم و مکسر) و نیز اسم‌های «مثنی» را معلوم کنید.

۱. الأولاد يختارمون الوالدين في البيت.

۳. أولئك الرجال جالسون عند العالمين.

پاسخ ۱. فرزندان به پدر و مادر در خانه احترام می‌گذارند. ← (الأولاد: جمع مکسر)، (الوالدين: مثنی)

۲. در کتاب‌های داستان پندهایی است برای کودکان و بزرگان. ← (کُتِبَ: جمع مکسر)، (القِصص: جمع مکسر)، (عَبَّرَ: جمع مکسر)، (الأطفال: جمع مکسر)، (الكبار: جمع مکسر)

۳. آن مردان نزد دو دانشمند نشسته‌اند. ← (الرجال: جمع مکسر)، (جالسون: جمع مذکر سالم)، (العالمين: مثنی مذکر)

۴. این دانش‌آموزان در مسابقات جهانی پیروز هستند. ← (الطالبات و ناجحات و المسابقات: جمع مؤنث سالم)

قيمة العلم

ارزش دانش

ارزش دانش

۲	حَسُنْ	السُّؤال،	نِصْفُ	الْعِلْم.
	خوبی	پرسش	نصف	دانش [است].
	پرسش خوب، نصف دانش است.			

۴	طَلَبْ	الْعِلْم،	فَرِيضَةٌ.
	خواستن	دانش	واجب [است].
	در پی دانش بودن واجب است.		

۱	العَالِمُ	بِلا	عَمَلٍ،	كَالشَّجَرِ	بِلا	ثَمَرٍ.
	دانشمند	بدون	عمل،	مانند درخت	بدون	میوه [است].
	عالم بی‌عمل مانند درخت بدون میوه است.					

۳	مُجَالَسَةُ	الْعُلَمَاءِ،	عِبَادَةٍ.
	همنشینی	دانشمندان	عبادت [است].
	همنشینی با دانشمندان عبادت است.		



۵ آفَةُ الْعِلْمِ، النَّسِيَانُ.
آسیب دانش فراموشی است.
بلا دانش، فراموشی است.

۷ هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.
این دختر در آن مدرسه است.
این دختر در آن مدرسه است.

۹ هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.
این دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.
این دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

۱۱ «سَعِيدٌ» إِسْمٌ وَلَدٌ وَ «سَعِيدَةٌ» إِسْمٌ بِنْتُ.
سعید نام پسر و سعیده نام دختر است.
سعید نام پسر و سعیده نام دختر است.

۱۳ تِلْكَ الشَّجَرَةُ بِلا ثَمَرٍ.
آن درخت بدون میوه است.
آن درخت بدون میوه است.

۶ هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.
این پسر در این مدرسه است.
این پسر در این مدرسه است.

۸ ذَلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.
آن دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.
آن دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

۱۰ ثَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.
میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.
میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.

۱۲ الْعَالِمُ الْمُؤْمِنُ كَجَبِلِ الرَّحْمَةِ وَ النُّورِ.
دانشمند مؤمن مانند کوه مهربانی و نور است.
عالم باایمان، همچون کوه مهربانی و نور است.

۱۴ طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةً.
خواستن دانش واجب دینی است.
علم‌جویی واجب است.

نور الکلام

نور / روشنائی سخن

نور / روشنائی سخن

۱ نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ.
دو نعمت ناشناخته‌اند؛ تندرستی و امنیت.
دو نعمت ناشناخته‌اند؛ تندرستی و امنیت.

۳ أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ دَهَبِهِ.
ادب انسان بهتر از طلا او است.
ادب انسان بهتر از طلا او است.

۵ الْوَلَدُ الصَّالِحُ، فخرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.
فرزند نیکوکار افتخاری برای پدر و مادر است.
فرزند نیکوکار افتخاری برای پدر و مادر است.

۷ قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ بِالْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ.
ارزش انسان به دانش و ایمان است.
ارزش انسان به دانش و ایمان است.

۹ هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ، بِلا ثَمَرٍ.
این دو درخت، بدون میوه‌اند.
این دو درخت، بدون میوه‌اند.

۲ رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ.
خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.
خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.

۴ الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.
روزگار دو روز است؛ روزی برای تو و روزی بر ضد تو.
روزگار دو روز است؛ روزی به نفع تو است و روزی به ضرر تو.

۶ لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.
برای این کلاس دو پنجره زیبا است.
این کلاس دو پنجره زیبا دارد.

۸ هَذَانِ الصِّغَّانِ، كَبِيرَانِ.
این دو کلاس، بزرگ هستند.
این دو کلاس، بزرگ هستند.



کَنْزُ الْكُنُوزِ

گنج گنج‌ها

گنج گنج‌ها

۱ تفکّر ساعةٍ خیرٍ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.
اندیشه کردن ساعتی بهتر از عبادت هفتاد سال [است].
یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

۳ العِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ.
دانش در کودکی مثل نقش در سنگ [است].
دانش (یادگیری) در کودکی مثل نقش در روی سنگ است.

۵ الجهلُ نادانی مَوْتُ مرگ الْأَحْيَاءُ زندگان [است].
نادانی، مرگ زندگان است.

۷ أَوْلَنَكَ الْأَوْلَادُ، لَاعِبُونَ مِمْتَازُونَ.
آنان فرزندان (پسران) بازیکنان ممتازها [هستند].
آن پسران بازیکنان ممتازی هستند.

۲ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان [است].
دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.

۴ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
بهترین کارها میانه‌ترین آن‌ها [است].
بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

۶ هَؤُلَاءِ اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ فِي مُسَابَقَتَيْنِ.
این‌ها بازیکنان برنده‌ها در دو مسابقه [هستند].
این بازیکنان، در دو مسابقه برنده‌اند.

۸ هَذِهِ صُورَةُ اللَّاعِبِينَ الْإِيرَانِيِّينَ.
این تصویر بازیکنان ایرانی [است].
این تصویر بازیکنان ایرانی است.

پرسش‌های درس اول

۱ کلمه‌های مترادف و متضاد را مشخص کنید. (= و ≠)

- | | | | | | |
|----------------|---|-----------|--------------|---|-----------|
| ۱ عاقل | ○ | جاهل | ۲ حُسن | ○ | خیر |
| ۳ فَرِيضَةٌ | ○ | تکلیف | ۴ جَالِسٌ | ○ | واقف |
| ۵ الْمَسْرُورُ | ○ | الْفَرْحُ | ۶ الصَّحَّةُ | ○ | الْمَرَضُ |
| ۷ الرَّأْيُ | ○ | النَّظَرُ | ۸ عَدَاوَةٌ | ○ | صَدَاقَةٌ |

۲ مفرد کلمات زیر را بنویسید.

- | | | | |
|-------------|--------|-------------|--------|
| ۱ بَنَاتٌ | ← مفرد | ۲ أَيَّامٌ | ← مفرد |
| ۳ أَحْيَاءٌ | ← مفرد | ۴ أَحْجَارٌ | ← مفرد |
| ۵ كُنُوزٌ | ← مفرد | ۶ أُمُورٌ | ← مفرد |
| ۷ أَخْشَابٌ | ← مفرد | ۸ عِبَرٌ | ← مفرد |

۳ کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده ترجمه کنید.

- | | |
|--|--|
| ۱ هَٰذَا الصَّبَّانُ كَبِيرَانِ. | ۲ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. |
| ۳ هَؤُلَاءِ اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ. | ۴ هَذِهِ الطَّالِبَةُ، نَاجِحَةٌ. |
| ۵ طَلَبَ الْعِلْمِ، فَرِيضَةً. | ۶ مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ. |
| ۷ لِهَٰذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ. | ۸ أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. |

۳ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | |
|------------------------------------|-----------------|-------------|
| ۱ نَاجِحُونَ فِي الْحَيَاةِ. | ○ الصَّادِقُونَ | ○ هَؤُلَاءِ |
| ۲ الْعُلَمَاءُ كَالْجَبَلِ. | ○ هَٰذَا | ○ هَؤُلَاءِ |

- ۳ هَذَانِ فِي الْمَزْرَعَةِ. ☐ الْفَلَّاحُ ☐ ذَلِكْ ☐ هَذِهِ ☐ مَسْرُورَاتْ ☐ مَسْرُورُونَ ☐ هَذَا ☐ أُولَئِكَ ☐ وَلَدٌ ☐ بِنْتٌ ☐ طَالِبَانِ ☐ طَالِبَتَانِ ☐ فَائِزَانِ ☐ فَائِزَتَانِ ☐ طَالِبَةٌ ☐ طَالِبَاتٌ
- ۴ الْمُؤْمِنَةُ فِي الْمَسْجِدِ.
- ۵ زَيْنَبُ وَ كُبْرَى وَ فَاطِمَةُ
- ۶ مُجِيدٌ وَ حَمِيدٌ وَ مُحْسِنٌ.
- ۷ هَذِهِ، مُحَبَّبَةٌ.
- ۸ مُؤَدَّبَانِ.
- ۹ هَاتَانِ الْبِنَتَانِ فِي الْمُسَابَقَةِ.
- ۱۰ نَحْنُ الْمَدْرَسَةِ.

۵ از اسم‌های زیر «مثنی» و «جمع سالم» بسازید.

اسم	مثنی	جمع سالم	اسم	مثنی	جمع سالم
۱ الْمُسَابِقَةُ			۲ عَالِمٌ		
۳ صَابِرَةٌ			۴ مُجَاهِدٌ		
۵ الصَّالِحَةُ			۶ مُرْتَفَعٌ		
۷ مَجْهُولَةٌ			۸ طَالِبٌ		

۶ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

جالسون - طَلَّاب - فائزات - عِبَر - مُمتازون - لاعبات - واقفون - رجال - طبيبات

جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
۱		
۲		
۳		



پاسخ نامه تشریحی

پاسخ پرسش های درس اول

پاسخ ۱

- ۱ عاقل ≠ جاهل
- ۳ فريضة = تكليف
- ۵ السرور = الفرح
- ۷ الرأى = النظر
- ۲ حُسن = خير
- ۴ جالس = واقف
- ۶ الصَّحَة ≠ المَرَض
- ۸ عداوة ≠ صداقة

پاسخ ۲

- ۱ بنت
- ۳ حى
- ۵ كنز
- ۷ حَشَب
- ۲ يوم
- ۴ حجر
- ۶ أمر
- ۸ عبرة

پاسخ ۳

- ۱ الصَّفَانِ: دو کلاس
- ۳ فائزون: برندگان
- ۵ قَرِيضَة: واجب
- ۷ نافذتان: دو پنجره
- ۲ أوسط: میانه ترین
- ۴ ناجحة: موفق
- ۶ مُجَالَسَة: همنشینی
- ۸ ذَهَب: طلا

پاسخ ۴

- ۱ الصادقون
- ۳ الفلاحان
- ۵ مسرورات
- ۷ بنت
- ۹ فائزتان
- ۲ هؤلاء
- ۴ هذه
- ۶ اولئك
- ۸ طالبان
- ۱۰ طالبات

پاسخ ۵

- ۱ المُسابقتان - المُسابقات
- ۳ صابرتان - صابرات
- ۵ الصالحتان - الصالحات
- ۷ مجهولتان - مجهولات
- ۲ عالماني - عالمون
- ۴ مجاهدان - مجاهدون
- ۶ مُرتفعان - مُرتفعون
- ۸ طالبان - طالبون

پاسخ ۶

- ۱ جمع مذکر سالم: جالسون، ممتازون، واقفون
- ۲ جمع مؤنث سالم: فائزات، لاعبات، طبيبات
- ۳ جمع مکسر: طلاب، عبر، رجال

پاسخ پرسش های درس دوم

پاسخ ۱

- ۱ اليمين ≠ اليسار
- ۳ حديقة = بُستان
- ۵ حُسن ≠ سُوء
- ۷ الحُسام = السَّيف
- ۲ أ = هَلْ
- ۴ طويل ≠ قصير
- ۶ قريب ≠ بعيد
- ۸ عُرفة = بيت

پاسخ ۲

- ۱ ضَيْف
- ۳ علامة
- ۵ سماء
- ۷ بُستان
- ۲ حَقِيبة
- ۴ جَبَل
- ۶ عُرفة
- ۸ حِكْمَة

پاسخ ۳

- ۱ سُتون
- ۳ همنشین
- ۵ هتل
- ۷ نویسنده
- ۹ گردش / چرخش
- ۲ چه بسا
- ۴ دوست داشتن
- ۶ انار
- ۸ تلفن همراه / موبایل
- ۱۰ مدارا کردن

پاسخ ۴

- ۱ عبد
- ۳ اليسار
- ۲ حول
- ۴ الناس